

مطالعات قرآنی ۳

# طنز مقدس

ادبیات انتقادی - هنری قرآن کریم

علی نجفی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: نجفی، علی، ۱۳۵۱-  
عنوان و نام پدیدآور: طنز مقدس: ادبیات انتقادی- هنری قرآن  
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۹  
مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س م  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴۲۵-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
عنوان دیگر: ادبیات انتقادی- هنری قرآن  
موضوع: قرآن- بررسی و شناخت  
موضوع: Qur'an - Surveys  
موضوع: قرآن- ترجمه‌ها- نقد و تفسیر  
موضوع: Qur'an - Versions - History and criticism  
موضوع: گفتمان انتقادی- جنبه‌های قرآنی  
موضوع: Critical discourse analysis - Qur'anic teaching  
رده‌بندی کنگره: BP۶۵/۳  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۴۰۷۶۰

© همه حقوق این اثر محفوظ است.

هرگونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص یا ترجمه همه یا بخشی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر و نویسنده ممنوع است و به موجب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» پیگرد قانونی دارد. نقل مطلب از این کتاب در حد متعارف و با ذکر منبع مجاز است.



---

طنز مقدس

ادبیات انتقادی - هنری قرآن

علی نجفی

---



## طنز مقدس

ادبیات انتقادی-هنری قرآن

علی نجفی

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴۲۵-۸

شمارگان: ۷۰۰ جلد

مدیر تولید: مریم یوسفی

ویراستار: یوسف قربانی

صفحه آرایی: اکرم صادقی-زهرا سادات موسوی فر

طراح جلد: معصومه کرم پور

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴ ۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳ ۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

tahabooks

ketabtaha@gmail.com

ketabtaha

www.ketabtaha.com

کتابسرای طه: کتابفروشی آنلاین  
ارسال به سراسر کشور

## فهرست

۱۵	راهنمای مطالعه .....
۱۷	درآمدی به مباحث کتاب .....
۱۷	جایگاه نقد هنری در تفسیر قرآن .....
۲۰	پیشینه بحث .....
۲۲	اهداف پیش روی این نوشته .....
۲۳	روش ما در تحقیق مطالب .....
۲۵	ساختار هنرانتقادی قرآن .....
۲۵	ادبیات انتقادی-هنری و بحث ترجمه قرآن .....
۲۷	مقایسه چند ترجمه از یک آیه .....
۲۹	نتایج و دستاوردهای کتاب .....
۳۱	مرور بخش ها و فصل های کتاب .....

بخش نخست: مبانی فرهنگی، زبانی و دینی ادبیات انتقادی-هنری قرآن کریم

۳۷	فصل اول: اصول شناخت قرآن .....
۳۸	اصل هدایت‌مداری قرآن کریم .....
۳۹	پیوند قرآن با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی .....
۴۱	مفروض گرفتن قوانین طبیعی در تفسیر قرآن .....
۴۱	زبانی روشن، ولی ژرف و چندلایه .....

۴۲	گفتاری - کُنشی بودن قرآن
۴۳	استقلال و کمال قرآن
۴۳	قرآن و کتاب
۴۴	آسیب‌های عدم توجه به زبان و اصول تفسیری حاکم بر قرآن
۴۵	زبان و جایگاه فنون تعبیر و پردازش در تفسیر قرآن
۴۷	جایگاه فنون پردازش زبان عربی در نگاه مفسران
۵۳	ادبیات: از شنیدن تا تعمیق در شنیده‌ها
۵۴	دیدگاه بصریان در باب حروف
۵۶	از حقیقت تا مجاز
۵۹	علل مجازگویی
۵۹	۱. محدودیت زبان
۶۰	۲. زبان کنایی لازمه بیان معانی متعالی
۶۱	۳. گویایی و ژرف بودن مجاز
۶۱	۴. جذابیت و اثرگذاری مجاز
۶۲	نقش مجاز در شکل‌گیری ادبیات انتقادی-هنری
۶۳	مخالفان مجاز
۶۴	دو گروه خاص از مخالفان مجاز
۶۴	گروه نخست از مخالفان مجاز
۶۵	نقد گروه نخست مخالفان مجاز
۶۶	گروه دوم مخالفان مجاز
۶۸	مجاز ضرورتی در تعبیر
۷۰	نقد گروه دوم مخالفان مجاز
۷۳	<b>فصل دوم: روش‌های بیانی قرآن</b>
۷۳	تنوع بیانی قرآن
۷۵	علل تنوع بیان در قرآن
۷۷	ساختارهای بیانی قرآن
۸۰	بررسی سیر تاریخی توجه مفسران به نقد هنری
۸۲	تفسیر آیات انتقادی-هنری در قرون اولیه
۸۳	تفسیر دینوری از آیات مورد بحث

۸۴.....	تفسیر این آیات در قرن چهارم و پنجم.....
۸۵.....	نگاه تردید آمیز مفسران قرن ششم و هفتم به معنای آیات مورد بحث.....
۸۸.....	قرن هشتم، آغاز نگاه انتقادی-هنری به قرآن.....
۹۰.....	تفسیر این آیات در نگاه مفسران قرن چهاردهم.....
۹۱.....	قرآن و طنز.....
۹۲.....	ماهیت شناسی طنز.....
۹۳.....	چیستی طنز.....
۹۴.....	ویژگی های مهم طنز.....
۹۶.....	قرآن، تقریب و هجو.....
۹۷.....	هجو در نگاه قرآن.....
۹۸.....	طنز، لطیفه و شوخی.....
۹۹.....	قرآن، لطیفه و شوخی.....
۱۰۲.....	وجه تمایز طنز، لطیفه و تقریب.....
۱۰۴.....	زبان انتقادی تصویری قرآن کریم.....
۱۰۶.....	قرآن و تصاویر زاویه دار (کاریکاتور).....
۱۰۶.....	هزل.....
۱۰۸.....	قرآن و هزل.....
۱۱۰.....	قرآن و بیان حزن انگیز.....
۱۱۳.....	<b>فصل سوم: نقد هنری در قرآن.....</b>
۱۱۳.....	قرآن و روش های نقد هنری.....
۱۱۴.....	تقابل سازی های سؤال برانگیز.....
۱۱۵.....	تهدید.....
۱۱۷.....	مبالغه (بزرگ نمایی).....
۱۲۶.....	استدراج (تغافل).....
۱۲۸.....	تجاهل.....
۱۳۰.....	تعریض.....
۱۳۱.....	تشبیه پنهان.....
۱۳۲.....	اهداف انتقادی-هنری در قرآن کریم.....
۱۳۳.....	استخفاف.....



۱۳۳	.....	استنباه
۱۳۳	.....	تعجیز
۱۳۴	.....	تهكُم
۱۳۴	.....	سفاهت
۱۳۵	.....	تشهیر
۱۳۵	.....	کید (فریب)
۱۳۶	.....	مکر (نیرنگ)
۱۳۷	.....	کارکردهای ادبیات انتقادی-هنری قرآن کریم
۱۳۷	.....	حفظ تمرکز ذهن در فرایند هدایت
۱۳۸	.....	شخصیت پردازی در قالب بیان هنری
۱۳۹	.....	نکته پردازی در قالب بیان هنری انتقادی
۱۴۰	.....	برداشتن فاصله میان گوینده و مخاطب
۱۴۱	.....	نقد و تجلیل هنرمندانه

### بخش دوم: طنزهای قرآن

۱۴۵	.....	فصل چهارم: استنباه و استخفاف
۱۴۵	.....	استنباه
۱۴۵	.....	نمایش سیری ناپذیری آدم و حوا
۱۴۹	.....	دین نه عامل صلح و وحدت
۱۵۱	.....	از دین آسمانی تا دین زمینی
۱۵۶	.....	چارپایی براو کتابی چند
۱۵۸	.....	خدا از اوج ذهنیت تا حضیض واقعیت
۱۶۱	.....	نمایشی تأمل برانگیز از حضرت موسی
۱۶۵	.....	پیامبری از جنس آدم‌های کوچک و بازار
۱۶۸	.....	استخفاف
۱۶۸	.....	خدایان توهمی
۱۸۴	.....	نگاهی طنزآمیز به کارنامه حضرت موسی
۱۸۸	.....	تعریض‌های سوره یوسف
۱۹۰	.....	یونس گریزپا

۱۹۷	فصل پنجم: سفاهت، تشهیر، تعجیز
۱۹۷	سفاهت
۱۹۷	بت‌ها بندگانی چون خود شمایند
۲۰۰	تعبیرهای گزنده و تودرتوی قرآن کریم
۲۰۲	روان‌کاوی پردازش قرآن کریم
۲۰۳	خدایان بی‌روح و بی‌ثمر
۲۰۶	موسی و سیاست چماق و هویج
۲۰۷	رهبران جهنم
۲۰۸	ورود قبطیان به جهنم به امامت فرعون
۲۱۲	جهنم پیشکش فرعون به امت خود
۲۱۳	تشهیر
۲۱۳	نقره‌داغ کردن رهبران دینی اهل کتاب
۲۱۵	آتش جهنم مبارکتان باد
۲۱۸	انسان‌های بُزدل و حریص بر جمع مال
۲۱۹	خدایانی ضعیف‌تراز مگس
۲۲۱	شرک، راهی از جنس آتش
۲۲۲	عاقبت همراهی با شیطان
۲۲۴	نمازی که جز سوت کشیدن نیست
۲۲۷	تعجیز
۲۲۷	خدایانی در حال افول
۲۲۹	تصویری طنزآز فرار انسان‌های نازپرورده
۲۳۳	موجودی کم‌طاقة و پرادعا
۲۳۷	فصل ششم: تهگم، مکر، کید
۲۳۷	تهگم
۲۳۷	مژده به عذاب
۲۴۱	مرده باد دروغ‌پردازان!
۲۴۳	رستگاری یعنی درهم و دینار
۲۴۴	جهنم پاداش شما است
۲۴۶	خوش‌آمدگویی با آب سوزان

- ۲۴۷ ..... مجرمان را در آن روز نویدی نیست
- ۲۴۸ ..... لذت ببرید که سرانجامتان آتش است!
- ۲۴۸ ..... آنها را هدایت نمی‌کنم مگر به راه جهنم
- ۲۴۹ ..... مکر (نیرنگ الاهی)
- ۲۴۹ ..... دسیسه سترگ
- ۳۵۲ ..... عصمت یعنی فقدان انگیزه‌های انسانی یا ...!
- ۲۵۵ ..... تعقیب و گریز یوسف و زلیخا
- ۲۵۷ ..... خدای حیلت‌ساز
- ۲۵۸ ..... مرا با دشمنان قرآن واگذار
- ۲۵۹ ..... انسان‌های غرق‌شده در باطل
- ۲۶۱ ..... بندگان فراری
- ۲۶۲ ..... بستگان ساختگی خدا
- ۲۶۵ ..... قوم نفرین‌شده
- ۲۶۷ ..... کید (دسیسه)
- ۲۶۷ ..... کار در راه خدا و کار در راه شیطان

### بخش سوم: هجوها، تصاویر زاویه‌دار و لطیفه‌های قرآنی

- ۲۷۱ ..... فصل هفتم: هجوها/تقریحات قرآن
- ۲۷۱ ..... بریده باد دودست ابولهب
- ۲۷۲ ..... شأن نزول سوره مسد
- ۲۷۴ ..... پیامدهای روانی و اجتماعی سوره مسد
- ۲۷۵ ..... نکات هجو در سوره مسد
- ۲۷۵ ..... زشت جلوه دادن نام ابولهب
- ۲۷۷ ..... به زودی به آتشی شعله‌ور رسد
- ۲۷۷ ..... در گردنش بندی از لیف خرما است
- ۲۷۹ ..... جمع بندی
- ۲۸۰ ..... سوره مسد در نگاه مفسران
- ۲۸۱ ..... بازتاب سوره مسد در میان مسلمانان
- ۲۸۳ ..... از کتاب مقدس تا مثنوی کاغذ مقدس

۲۸۵	انسانی زشت خوی و آویزان به دیگران
۲۸۹	توضیحات
۲۹۰	خدای دست بسته و خدایی با دو دست باز
۲۹۲	بگو: بمیرید با کینه خویش
۲۹۴	خدایی منتقم و بی رحم
۲۹۶	سرانجامی دردناک
۲۹۸	شیطان هزار سر
۳۰۰	بپوش عذاب جهنم را ای بزرگوار!
۳۰۱	توضیحات
۳۰۲	تحقیری دردناک
۳۰۴	سرانجام همراهی کورکورانه با آیین پدری
۳۰۶	سرانجام دوری از عقلانیت
۳۰۸	گام برداشتن در جهنم
۳۰۹	دین فروشی
۳۱۲	بوزینگانی خوار و خاموش گردید
۳۱۳	جنایت با پوشش دین
۳۱۷	گزارشی تهدیدآمیز از سرانجام بزرگان مکه
۳۱۹	مقایسه ای کوبنده
۳۱۹	دل های مهر و موم شده
۳۲۲	هرزه گویی
۳۲۵	نگاه های وحشت زده
۳۲۹	<b>فصل هشتم: تصاویر زاویه دار (کاریکاتورهای) قرآن</b>
۳۲۹	تصویر مردی با بینی خوک
۳۳۰	تصویر مردی با دو دست بریده و چهره ای آتشین
۳۳۱	تصویر زنی از اشراف مکه با قیافه یک زن فقیر
۳۳۲	تصویری از تکیه بر خانه عنکبوت
۳۳۳	تصویری از یک احترام شکننده
۳۳۳	جهنم سیری ناپذیر؛ تصویری زاویه دار از موافقان و مخالفان
۳۳۴	نکات انتقادی تصویری

- ۳۳۵..... جهنم چون شیری درنده .....
- ۳۳۶..... تصویری گله وار از کفار .....
- ۳۳۷..... نمایش کمندی شیطان و بزرگان مشرک مکه .....
- ۳۳۸..... لباسی از جنس گرسنگی و ترس بر قامت کفار! .....
- ۳۳۹..... تصویری از عصبانیت و سرگردانی .....
- ۳۴۱..... تصویری از ورود شتر به سوراخ سوزن .....
- ۳۴۲..... تصویری انسان نما و توفنده از خشم .....
- ۳۴۲..... تصویری زاویه دار از ایمان فرعون .....
- ۳۴۵..... تصویری سگ گونه از یک انسان .....
- ۳۴۷..... گورخرانی وحشت زده از شیر .....
- ۳۴۸..... تصویری از تباهی اعمال کافران .....
- ۳۴۹..... تصویری از بر باد رفتن اعمال کافران .....
- ۳۴۹..... تصویر انفاق کفار در قالب باد پاییزی .....
- ۳۵۱..... تصویر گروهی که دور بت ها حلقه زده و به آنها دل سپرده اند .....
- ۳۵۱..... تصویر انسانی پاره پاره در دهان مرغان وحشی .....
- ۳۵۳..... تصویری زاویه دار از امهال (مهلت دادن) به کافران .....
- ۳۵۳..... تصویری از سرگردانی میان شرک و توحید .....
- ۳۵۴..... به خانه عنکبوت پناه بردن .....
- ۳۵۴..... تصویری از انسان های همیشه تشنه .....
- ۳۵۵..... تصویری از انسان های متزلزل .....
- ۳۵۵..... تصویری از انسان هایی که بر لبه پرتگاه جهنم هستند .....
- ۳۵۵..... تصویری از اندیشه ای محکم و اندیشه ای سست .....
- ۳۵۶..... تصویری از عاقبت دردناک کافران .....
- ۳۵۶..... تصویری مارگونه از کفار .....
- ۳۵۷..... تصویر حیوانی پروار شده از کافران .....
- ۳۵۷..... تصویری از راندن جهنمیان به سمت آتش دوزخ .....
- ۳۵۸..... تصویری نامتعادل و جن زده از رباخواران .....
- ۳۵۹..... تصویری از انسانی گریزان از تماس با مردم .....
- ۳۶۰..... چهره هایی شاداب و چهره هایی افسرده .....
- ۳۶۱..... چهره هایی برافروخته و چهره هایی تاریک .....

۳۶۱.....	تصویری وحشت زده از چهره کفار .....
۳۶۲.....	تصویری از رویارویی محفل بهشتیان و دوزخیان .....
۳۶۴.....	تصویری از مردمانی آویخته بر حرفی پوچ .....
۳۶۴.....	تصویری زاویه دار از یک گفت وگویی زنده بین خدا و منافقان .....
۳۶۷.....	<b>فصل نهم: لطیفه های قرآنی .....</b>
۳۶۷.....	مژده ناگهانی تولد دو پسر به سارا .....
۳۶۹.....	فرار مورچه ها از لشکر سلیمان .....
۳۷۰.....	گفت وگویی سلیمان و هدهد .....
۳۷۰.....	هشداري نمکین به پیامبر .....
۳۷۱.....	موسی و عصایش .....
۳۷۳.....	موسی و جوان همراهش .....
۳۷۴.....	موسی و خضر نبی .....
۳۷۷.....	مواجهه موسی با خداوند .....
۳۷۸.....	ذوق زدگی حضرت زکریا از بچه دار شدن .....
۳۸۱.....	<b>کتابنامه .....</b>



## راهنمای مطالعه

هر کتابی از قسمت‌های گوناگون تدوین یافته است. از این رو، با توجه به نیاز افراد، چه بسا خواننده‌ای دوست داشته باشد فصلی را زودتر از فصل‌های دیگر بخواند، یا نیازی به مطالعه یک بخش یا قسمتی خاص نداشته باشد. خواننده باید قبل از هر چیز به فهرست کتاب مراجعه کند و مطالب مورد علاقه خود را در آن بیابد و به جمع‌بندی برسد. مطالعه مقدمه می‌تواند تصویری کلی به خواننده ارائه دهد. بخش نخست کتاب و به خصوص اصول حاکم بر قرآن را به حتم توصیه می‌کنیم؛ چون نقد را آنگاه می‌توان نقد نامید که اساسی محکم داشته باشد، وگرنه نقدی بی‌پایه خواهد بود. به تعبیری، اصول حاکم بر قرآن به منزله پایه‌های ادبیات انتقادی-هنری قرآن کریم به شمار می‌آیند. بخش دوم کتاب بخش اصلی کتاب به شمار می‌آید. بخش سوم کتاب نیز از سه قسمت «هجوه‌های قرآن کریم»، «تصاویر زاویه دار قرآن کریم» و «لطیفه‌های قرآنی» تشکیل شده است. مطالعه آنها بر حسب نیاز خواننده مفید خواهد بود.





## درآمدی به مباحث کتاب

### جایگاه نقد هنری در تفسیر قرآن

قرآن زبانی آشکار و پیامی به روشنایی روز دارد. اما همین زبان آشکار از دو جهت نیازمند توضیح است: نخست از جهت فاصله زمانی میان گوینده و مخاطب، و دوم از جهت تبیین برخی تعابیر هنری است تا مخاطب ابعاد مفهومی این تعابیر را درک کند. رسالت این نوشته در خصوص نکته نخست آن است که گردوغبار زمانه را بردارد تا مخاطب را در فضای نزول قرآن بگذارد. درباره نکته دوم نیز به بُعد وضعی و مجازی واژگان قرآن می پردازد. انسان برحسب اینکه دارای قدرت ابداع است برای معانی خاصی واژگانی را وضع می کند و برای معانی دیگر بدون اینکه واژه ای جدید در نظر بگیرد، همان واژه را در معنی جدید به کار می برد. مثلاً «ید» به معنی «دست» می آید؛ اما همین واژه را برای بیان «قدرت» هم به کار برده است و به جای اینکه بگوید: «قدرت خداوند برتر از همه قدرت ها است» می گوید: «دست خداوند برتر از دست همه است». بی تردید چنین تعبیری از برتری قدرت خداوند، در ذهن شنونده، مؤثرتر است و مخاطب با این تصویر می تواند قدرت خداوند را در قالب یک دست که برتر از همه دست ها است، تصور کند. به این ترتیب مجاز، حس شنیداری-تخیلی شنونده را به خود معطوف می کند تا او مفهوم انتزاعی (قدرت) را در قالب یک تصویر (دست) دریابد.

از طرفی برخی از تعبیر مجازی قرآن به صورت گسترده موجب نزاع‌های بزرگی شده است؛ از جمله می‌توان به رقابت میان دو گرایش ظاهرگرا و تأویل‌گرا اشاره کرد. عموم ظاهرگرایان آیات را بر همان ظاهر ابتدایی آنها حمل می‌کنند و از تأویل آنها بر معانی مجازی پرهیز می‌کنند. برای مثال، واژه «بَشِير» (مژده ده) در آیه «بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ يَا أَيُّهَا لَّهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۱</sup> را به معنی خبر دادن دانسته‌اند: «خبرده منافقان را به عذابی دردناک»؛<sup>۲</sup> تفسیری که هم فاقد بار انتقادی است و هم دور از معنای حقیقی کلمه؛ ولی مفسران تأویل‌گرا این واژه را بر معنای مجازی آن (تهدید) حمل کرده‌اند.<sup>۳</sup>

مجاز دارای ابعاد پیچیده‌ای است و حتی تأویل‌گرایان بر سر مجاز بودن یا نبودن آیات متعددی اختلاف‌های جدی دارند؛ مثلاً زمخشری آیه ۵ سوره طه را<sup>۴</sup> چنین تفسیر کرده است:

چون استوا بر عرش مترادف با مُلک و سلطنت است، آن را کنایه از مُلک قرار داده‌اند، می‌گویند: فلانی بر عرش استوا یافت، و مرادشان ملک و سلطنت یافتن او است، هر چند بر تخت ننشسته باشد.<sup>۵</sup>

فخر رازی و ملاصدرا ضمن ایراد بر زمخشری نوشته‌اند:

اگر این باب باز شود، راه برای تأویلات باطنیه نیز باز خواهد شد و آنها نیز می‌گویند: مراد از «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ»<sup>۶</sup> استغراق در خدمت خداوند متعال است، بدون اینکه فعل (بیرون آوردن پاپوش از پا) تصور شود، یا مراد از

۱. «مژده باد منافقان را به عذابی دردناک» نساء: ۱۳۸.

۲. طبری (ق ۴)، جامع البیان، ج ۵، ص ۲۱۱.

۳. علامه طباطبایی ذیل همین آیه نوشته است: «این آیه شریفه تهدیدی است برای منافقین» المیزان، ج ۵، ص ۱۸۷. برای توضیح بیشتر به کتاب حاضر، فصل ششم (تهگم)، عنوان «مژده باد کفار را به عذابی دردناک» رجوع کنید.

۴. «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى».

۵. زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۵۲؛ زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۳۰۹.

۶. طه: ۱۲.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾<sup>۱</sup> خلاص شدن ابراهیم از دست ظالمان است، بی آنکه آتش و هیزومی در کار باشد.<sup>۲</sup>

این نوشته از افقی خاص به ریشه‌های چنین نزاعی توجه کرده و نشان داده که مهم‌ترین علت این اختلاف‌ها به عدم توجه مفسران به «زبان کنایی» و «فرهنگ محاوره اصیل عربی» باز می‌گردد. دین‌آوران بزرگ، چون فاصله عمیق ذهن مردم با حقایق را می‌دیدند، زبان کنایی را بهترین روش برای هدایت مردم می‌دانستند؛ زبانی که علاوه بر زیبایی می‌توانست لایه‌های گوناگونی از معنا را با خود داشته باشد. این بیان، بی‌شک ریشه در عمق فرهنگ و روش‌های پردازش زبان دارد و پیامبران با شناخت دقیقی از زبان و به خصوص فنون تعبیر توانسته‌اند دریایی ژرف از مفاهیم ناب بیافرینند. پس برای درک درست مقصود آنها شناخت زبان کنایی و فرهنگ محاوره آنها لازم است. علاوه بر این یکی از ویژگی‌های مهم آثار ادبی - و از جمله قرآن - ژرفا و چندلایگی آنها است. از این رو، لذت و استفاده درست از آنها برای همه کس ممکن نیست و نکته‌سنجی می‌خواهد تا پرده از رخ چنین نکاتی بردارد.<sup>۳</sup>

به طور خاص، زبان هنری که بر اساس فرهنگ محاوره اصیل عربی درباره آن قلم‌پردازی شده، گوشه‌های بسیار ظریف و نمکینی هستند که با تأمل و ژرفکاوی می‌توان آنها را در لابه‌لای آیات قرآنی یافت؛ کنایه‌هایی که در عین نقد، لبخند نازکی هم بر لب مخاطب می‌نشانند و گاه بسیار عقیف و پوشیده خصم را به استهزا می‌کشانند که در باطن خود بسیار گران و کُشنده است. از این رو نقد هنری، به معنا و مفهوم دقیق آن، یکی از استوارترین روش‌های هدایتگری است که قرآن بسیار از آن سود برده است، و با گستراندن آن به چنین ادبیاتی هویت الهی بخشیده و نشان داده که چگونه می‌توان به درستی از آن سود برد.

۱. انبیاء: ۶۹.

۲. فخررازی، تفسیر کبیر، ج ۲۲، ص ۷؛ ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۳. زرین کوب، نقد ادبی، ج ۱، ص ۸؛ رنه ولک و آوستن وارن، نظریه ادبیات، ص ۱۵-۱۹.

در فصل نخست کتاب، با نگاهی روش‌شناسانه، بحثی را تحت عنوان «نگاه درست به قرآن و اصول حاکم بر آن» طرح کرده‌ایم تا قاعده‌مند به قرآن بنگریم و تحلیلی بر پایه اصولی مورد توافق از بخشی از آیات قرآن داشته باشیم، گرچه بحث درباره این اصول به کتاب مستقلی نیازمند است. پس آنچه طرح شده، بیشتر برای توجه دادن به اصل مسئله است که «قرآن را گنجینه‌ای از اطلاعات پراکنده و فاقد مخاطبی تعریف نشده ندانیم»؛ بلکه به این امر عنایت داشته باشیم که خداوند انسان‌ها را با ماهیت قومی، زبانی، جغرافیایی و روحی و روانی ویژه خود آفریده است و کمال قرآن به دیدن همین ویژگی‌ها و شرایط انسان‌ها است که اگر درست به آنها نگریسته شود، می‌تواند انسان را به حرکت درآورد. کتابی که آن را آسمانی می‌دانیم، اگر در هدایت خود شرایط و اوضاع فرهنگی و روحی را لحاظ نمی‌کرد، بی‌شک نمی‌توانست مردمان خفته را بیدار کند و هیچ‌گاه فریاد او تا اعماق جامعه رسوخ نمی‌کرد. مباحث ادبی و بحث‌هایی چون حقیقت و مجاز، همه ریشه در چگونگی نگرش یک ملت به اطراف خود دارند. از این رو سایر بحث‌های این فصل به گونه‌ای درباره همین موضوع طرح شده‌اند و می‌خواهند نگرشی روش‌شناسانه به ما بدهند تا به قرآن و مباحث زبان و ادبیات بهتر بنگریم.

برای آنکه چنین نکاتی در پس پرده باقی نمانند و بهای واقعی چنین تعبیری بر همگان معلوم شود، نقد هنری مشکل‌گشای واقعی است و وفور استفاده قرآن از این ادبیات، موجب ضرورت توجه به این امر شده است. از طرفی عدم توجه به عناصر انتقادی هنری به طور قطع به فقر تفسیری می‌انجامد.

### پیشینه بحث

نقد هنری از آن جهت که می‌خواهد از همدمی خود با قرآن رخ‌نمایی کند، برای بیشتر ما بحثی بکرو دست‌نخورده است. ولی از دیرباز برای آنکه سره را از ناسره جدا سازند، زک‌گویی را خلاف مقصود تشخیص می‌دادند. به همین

علت برخی را با تجاهل نقد می‌کردند و عده‌ای را در لباس لطیفه‌ای نمکین یا گزنده پند می‌دادند. در کتاب‌های آسمانی چون تورات و انجیل همین رویه دیده می‌شود. حتی عرب جاهلی، خود را پایبند به همین قاعده می‌دید. به طور کلی هر اثری که جهانی شده، در لباس هنری فاخر خود را به همه نشان داده است.

در روزگار معاصر، ادبیات با نگاه متفاوت‌تری کاوش شد. تا قبل از قرن نوزدهم میلادی چیزی به نام «ادبیات» (در مقابل ادبیات خاص، یعنی ادبیاتی که به زبان خاصی، مثلاً ادبیات عربی و... اختصاص دارد) وجود نداشت و ادبیات نه در قالب کلی آن، بلکه در ساختارهای جزئی آن مورد مطالعه قرار می‌گرفت. توجه به زبان و ادبیات، بدون توجه به مصادیق خاص آن، به زبان‌شناسان معاصر این امکان را داد که به ابعاد خاصی از زبان و ادبیات پی ببرند که زبان‌شناسان پیشین از آن غافل بودند. پژوهندگان غربی با همین نگاه تحقیقات تازه‌ای درباره انجیل انجام داده‌اند و کتاب مقدس را شاهکاری ادبی با سبک و سیاق خاص به خود یافته‌اند که باید به منزله اثر ادبی گران سنگ و تأثیرگذار دیده شود.<sup>۲</sup> در جهان غرب، این نگاه پیامدهای خاصی در باب دین‌شناسی و به خصوص ادبیات داشت و توانست ذهنیت جدیدی برای مردم درباره دین و کتاب‌های آسمانی ایجاد کند.

در جهان اسلام، از سده ششم هجری به بعد، مفسران و قرآن‌شناسان - نه آنچنان ملموس، بلکه بسیار رقیق و پوشیده - به این بُعد هنری توجه خاصی داشته‌اند. الفاظی چون: «تهگم» (استهزا)، «تقریع» (کوبیدن)، «تشهیر» (رسوا کردن)، «تعریض» (به کنایه سخن گفتن)، «تعییر» (سرزنش کردن)، «تعجیز» (ناتوان و درمانده ساختن) که از صنایع «نقد هنری» به حساب می‌آیند،

۱. مستنصر میر، ادبیات قرآن، ص ۱۱۴ و ۱۲۰؛ مستنصر میر و عبدالرئوف، مطالعه قرآن به منزله اثر ادبی، ص ۱۱۹ و ص ۱۲۱.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: مستنصر میر، ادبیات قرآن، ص ۷۵؛ مستنصر میر و عبدالرئوف، مطالعه قرآن به منزله اثر ادبی، ص ۲۳.

بارها در کتاب‌های تفسیری تکرار شده‌اند؛<sup>۱</sup> اما به علت روشن نبودن مبانی نقد ادبی-هنری، معمولاً قرآن‌شناسان با تردید و دوگانگی با آن برخورد کرده‌اند. نگاه ادبی به قرآن با رویکرد جدید از مصر آغاز شد. برخی از پژوهندگان مصری قرآن را به طور خاص شاهکار ادبی معرفی نمودند که هدف آغازین و نهایی آن بُعد هنری است و هر مطلبی و رای آن، از اهداف ثانوی آن تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> روشن است که این نگاه می‌توانست قرآن را از رسالت اصلی خود دور سازد. نوشته پیش رو نگاه هنری به قرآن را هدف آغازین و نهایی خود نمی‌بیند، بلکه جنبه هدایتی والای آن را در هنر قرآنی نشان می‌دهد.

### اهداف پیش روی این نوشته

این کتاب عهده‌دار بررسی مبانی استفاده قرآن کریم از ادبیات انتقادی-هنری و تبیین بخشی از آیات انتقادی-هنری است. همچنین این نکته را بیان می‌کند که طنز و ادبیات انتقادی-هنری منافی هدایت و جنبه جدی و الهی قرآن نیست. بنابراین تبیین زبان انتقادی-هنری قرآن به خصوص توجه به جایگاه جدی این زبان، همراه با شاخه‌های گوناگون این اسلوب تأثیرگذار در قرآن، همچنین نقش شناخت این زبان در تفسیر قرآن کریم، مهم‌ترین رسالت این نوشته به شمار می‌آید. تلاش ما بر این نکته استوار بوده که بگوییم باید به درستی زبان قرآن و همچنین زبان و فرهنگی که قرآن در آن به اوج رسیده است را شناخت. و به این نکته توجه داشت که قرآن در برخی از آیات برای نقد افکار و رفتار ناشایست، نگاهی کاملاً هنری دارد؛ گاه واژگانش مزاح‌گون است و گاه بیانی رندانه و گزنده دارد و گاه بیانی سخت‌کوبنده و گاه درپس و پیش کلماتش، چنان پوشیده، مخالفان خود را شرمگین ساخته

۱. در فصلی خاص درباره روند تاریخی توجه مفسران به این موضوع بحث شده است. ر. ک: همین کتاب، فصل دوم ذیل عنوان «بررسی سیر تاریخی توجه مفسران به نقد هنری».

۲. برای توضیح بیشتر، ر. ک: خولی، مناهج التجدید فی النحو والبلاغة و تفسیر و الأدب، ص ۳۰۴؛ نصر حامد ابوزید، معنای متن، ص ۱۸.

یا دوستان خود را هشدار داده که هر هنرمندی را به تحسین وامی دارد. این مطلب در مباحث زبان‌شناسی و روش‌شناسانه قرآن کریم نکته کلیدی به شمار می‌آید. طنز چشم‌اندازی زیبا به روی قرآن است؛ در عین حال نمی‌توان انکار کرد که واژه «طنز» تنگناها و ابهاماتی همراه خود دارد. گذشته از آن، نقد هنری دایره‌ای گسترده‌تر از طنز دارد و هنرهایی چون: هزل، هجو، لطیفه، کاریکاتور و ... را در بر می‌گیرد. با این حال، در ادبیات معاصر، طنز، هنری است که با ظرافت و زیرکی به نقد افکار و رفتار ناشایست می‌پردازد. در این نوشته، واژه «طنز» نه به معنی بیهوده‌گویی یا سخنان پیش پا افتاده‌ای که به دنبال خود خنده و قهقهه را به همراه دارد، بلکه به مفهوم روشی که زیرکانه به نقد افکار و رفتار ناشایست می‌پردازد و لبخند نازکی هم بر لب مخاطب هوشمند خود می‌نشانند، به کار رفته است.

برای «فکاهت» معانی گوناگونی نوشته‌اند. در این نوشته معنای لغوی آن، یعنی «خوش طبعی و خوش منشی» اراده شده است، نه بیهوده‌گویی. مقصود از «هجو» چیزی جز تفریع و کوبیدن و بدنام کردن منافقان و کفار نیست، و معنایی که از «کاریکاتور» اراده شده، تصاویر زاویه‌دار و تأمل‌برانگیز است.

### روش ما در تحقیق مطالب

این نوشته با تحلیلی متکی بر استقلال دلّالی قرآن و همچنین گفتاری-کُنشی بودن قرآن از زاویه نقد هنری، به تفسیر پاره‌ای از آیات آن پرداخته است. استقلال و کمال قرآن در بیان مراد خود و همچنین گفتاری-کُنشی بودن آن، دو نکته اساسی برای تفسیر درست قرآن هستند که به جد باید بدان‌ها توجه داشت. زبان قرآن در بیان مراد خود نه گنگ است و نه ابهام‌آمیز و نه ناقص و کلی‌گو؛ بلکه هر آنچه برای هدایت بشر نیاز دیده، بیان کرده است. هویت ابتدایی قرآن نه یک نوشته، بلکه مجموعه‌ای از گفتارهای مختلفی بوده که در موقعیت‌های گوناگون مردم آن را از زبان پیامبر می‌شنیده‌اند و پیامبر هم متناسب با رفتار و کُنشی که مردم از خود نشان می‌داده‌اند، آیات دیگری را بیان می‌کرده است.



تحلیل ما از آیات مبتنی بر انسجام آنها بوده است، نه نگاه پاره‌پاره به آیات بر اساس شأن نزول‌های خاص. در نگاه انسجام‌محور آیات متناظر به هم ملاحظه می‌شوند. از این رو تفسیر قرآن در پرتو این نگاه، قانون‌مندتر صورت می‌پذیرد. نگارنده آیات قرآن را با توجه به ظرف فرهنگی و اجتماعی آنها تفسیر نموده است؛ چه اینکه هیچ نوشته‌ای در خلأ و فارغ از زمان و مکان شکل نمی‌گیرد. بر این اساس باید قرآن را با توجه به حقایق پذیرفته شده در فرهنگ و زبان عربی عصر نزول قرآن تفسیر نمود. «زبان کنایی» و «فرهنگ مفاهمه عصر نزول»، دو عنصر اساسی در هر زبانی به شمار می‌آیند. زبان کنایی که ابزاری برای ارتباط است و فرهنگ مفاهمه، بستری که به زبان و تعبیر کنایی معنا می‌بخشد، همواره باید در کنار هم در نظر گرفته شوند. هرواژه و تعبیر کنایی را می‌توان در بستر فرهنگی خاص خود تفسیر کرد. واژگان، بدون فرهنگ مفاهمه‌ای که در آن پایه وجود نهاده و بالنده شده‌اند، مشتی الفاظ بی‌معنا هستند.

کتاب حاضر با توجه به دو عنصر یادشده (زبان کنایی و فرهنگ مفاهمه) در شناخت درست قرآن کریم، کوشیده است تا تعبیر انتقادی این کتاب بزرگ را برجسته نماید.

این نگاه نشان داده است که چه میزان می‌تواند در نمایاندن لایه‌های درونی و نگرش پالوده به این کتاب بزرگ مؤثر باشد و آن را برای اندیشیدن و زندگی در کانون توجهات قرار دهد.

با رجوع متعدد به قرآن کریم و کتاب‌های تفسیری و ادبی، تنها آن بخش از آیات را بررسی کرده‌ایم که دارای ویژگی برجسته‌ای از انتقاد هنری باشند؛ بنابراین، هدف ما تنها نشان دادن این هنر در قرآن و توجه ویژه آن به این هنر ارزشمند است.

با توجه به درهم‌تنیدگی آیات قرآن، گاه می‌توان به یک آیه از دو منظر متفاوت نگریست. مثلاً آیه ۱۶ سوره قلم به همان اندازه که از دید «تصویرنمایی زاویه‌دار» مهم است، از منظر «تقریب‌آمیز» بودن هم اهمیت دارد.